

بهبانۀ ای به نام داعش در شب سالگشت کشتار ۶۷

مجید پهلوان

www.MajidPahlavan.com

حیات فرهنگی و با کمک کارگران و طبقه متوسط زبر اب اشراف و کلیسا و مستبدین زمین دار را زد که پیشرفت حیرت انگیز علمی، فلسفی و نوزایی فرهنگی از آنها ابر قدرت های امروزی را ساخت. در ایران ما، اما که، سرمایه داری با عمل سزاین (اصلاحات ارضی) آغاز شد و زمین داران عقب مانده ما یک شبه طبقه سرمایه دار را تشکیل دادند. طبقه ای رانتهی و وابسته به حاکمیت سیاسی. به غایت عقب مانده فرهنگی لیکن نماینده انحصارات امپریالیستی در اجرای طرح های مربوطه و استمرار سرکوب و دیکتاتوری. که بورژوازی بومی ایرانی واپس گرا و حامل دموکراسی نیست و خصم آن است. در این راستا است که تشکیلات طبقه کارگر چه در رژیم پیشین و چه در نظام بربریت مورد سرکوب حداکثری هستند چون آنها و متحدین حامل رهایی، پیشرفت و دموکراسی هستند و تشکیل یک بلوک طبقاتی دینامیک از زحمتکشانشان است که بکار رژیم پایان می دهد.

در حالیکه بورژوازی شمال و پیشرفته غربی کاملاً به اضمحلال اخلاقی، اجتماعی و بحران های مستمر اقتصادی رسیده اما که، بورژوازی ایرانی حتی فاقد فرهنگ قرن نوزدهمی غربی هاست. که سرمایه داری در ایران حاشیه ای و تخته بند معادلات درآمد نفت از یک سو و حاکمیت استبداد سیاسی از طرف دیگر است. کارش غارت حداکثری از دست رنج کارگران در کوتاهترین مدت و انتقال پول ها به محل های امن است. انباشت سرمایه داری در کار نیست و مشتکی بزهکار اقتصادی - اجتماعی در هر دوره سکان دار مقام بورژوازی ایران هستند و مسولیت آنها همدستی در سرکوب و استمرار سلطه بربریت است. به همین دلیل هم وزیر خارجه امریکا تیلرسن (Rex Tillerson) هدف امپراطوری امپریالیستی در ایران را کمک به جناح اصلاح طلب برای تغییرات مسالمت آمیز توسط عناصر خودی میداند که توقف فعالیت موشکی و هسته ای از سوی جمهوری اسلامی را طالب هستند و از ابتدای تاسیس رژیم بربریت چشم خود را روی کشتار و سرکوب و زندان و شکنجه ایرانیان توسط همکاران اسلامی خود بسته اند. در

ماشین بحران سازی رژیم بربریت حاکم بر ایران در شب سالگشت کشتار تابستان ۶۷ با تمسک به بهانه حمله تروریستی تروریست های دست ساز داعشی به مجلس اسلامی و قبر خمینی مجدداً بکار می افتد. اکنون قطار جمهوری اسلامی به ایستگاه داعش رسیده و خامنه ای در همین راستا دست پیش را گرفته و در سالروز قتل عام زندانیان سیاسی (سال های دهه ۶۰ خورشیدی) فرمان آتش به اختیار صادر کرده است. رقم ۱۷ هزار کشته از حزب الله بدست مخالفان را جعل می کند تا از آگاهی رسانی نیروهای انقلابی بکاهد و گویی فرار رو به جلو را پذیرفته باشد. از این جهت رسانه های رژیم خبر از برافراشتن پرچم داعش در شیراز و کوردستان را با آب و تاب درج میکنند و این بار عملیات داعش را که دست پرورده سیستم اطلاعاتی خود سیستم هستند را بهانه استمرار سرکوب می نمایند.

ایران ها به منزله بخشی از جهان پیرامونی و در حاشیه مدار سرمایه داری بین المللی همواره قربانی بازبهای کثیف و کودتاها توسط بازیگران کثیف تر داخلی و خارجی بوده اند، مسولیت سرمایه داری داخلی و حاکمیت سیاسی عقب مانده اش سرکوب حداکثری است تا به موازات تقسیم بندی امپریالیستی و تقسیم بازارها توسط آنها در دور و تسلسل دیکتاتوری ها و عقب ماندگی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در جازندند. نقش اسلام سیاسی در این جنگ کثیف سرکوب اندیشه آزادی و آزادی خواهان است.

کشورهای پیرامونی چون ایران ممالکی هستند که اغلب قبل از تشکیل ملت و ظهور مناسبات سرمایه داری و حضور طبقات متوسط و سرمایه دار و کارگر به دولت های قبیله ای رسیدند. مرکز محور و استبدادی و بدون عنصر ضروری تقسیم قدرت. پس همواره تخته بند فرهنگ پیشامدرن و علیرغم رسیدن به چرخه مناسبات سرمایه داری (حاشیه ای) و لیکن وارث تفکر شبان رمه باقی ماندند. درست عکس جریان تکوین مناسبات سرمایه داری در غرب و رسیدن به ملت و تشکیل دولت های نوین که بورژوازی غربی با تمسک به روشنگری و تجدید

چنین اوضاعی است که من معتقدم، اندیشه گسترش انقلابی تشکلات طبقه کارگر و دست یابی به حزب طبقه کارگر رویایی بیش نیست ولی تلاش و تفکر سازماندهی همبستگی جنبش های پراکنده ممکن است. من باور دارم که اصولاً مسئله تحزب سیاسی آزاد و مستقل در ایران اکیدا با مسئله سرنگونی رژیم اسلامی گره خورده است.

آنچه که من سازماندهی پیوند جنبش های پراکنده و اکیدا سیاسی می گویم، همان نطفه های زمینه سازی برای مسئله هژمونی و کسب رهبری جنبش اجتماعی در حالت موقعیت انقلابی است که دیر یا زود به سرنگونی رژیم بربریت می انجامد. که بدون تشکیل ستاد رهبری جنبش های متفاوت ولی متحد و همگون، توده ها نمی توانند به عنوان متحدین طبقه کارگر سبب برتری اجتماعی اردوی انقلاب و سوسیالیسم باشند. چرا که بدون پیوند اجتماعی طبقه کارگر با متحدین خود و اثبات رهبری جنبش اجتماعی، حتی با سرنگونی رژیم فعلی، صلح و آزادی و پیشرفت حاصل نخواهد شد. در این بحث اما که جنبش انقلابی ما هنوز و حتی وارد بحث اقتصادی رژیم الترناتیو وضع موجود نشده و همگان در همان طرح کلیات ملی کردن ها و مصادره ها و رونوشت برداری از متون کلاسیک بسنده کرده اند. من معتقدم که چنانچه طبقه کارگر حتی رهبری سیاسی جامعه را بدست گیرد و هنوز رهبر اقتصادی نباشد، نمیتواند رهبری و سلطه هژمونیک داشته باشد و دیر یا زود یا تسلیم می شود و یا چون سایرین سپر انداخته و رنگ عوض میکند. از این زاویه من اکیدا با نگاه

جنبشی در حالت کنونی صف بندی نیروها موافق و نمیتوانم از ضعف های جنبش انقلابی و در خود فعلی چشم پوشی نمایم. که بحث اقتصادی دولت جایگزین از آن جمله است. اکنون استمرار حضور حکومت های تروریستی و دیکتاتوری ها در منطقه با مسئله سلطه اسلام سیاسی گره خورده است. انحصارات امپریالیستی و نمایندگان سیاسی آنها در مرکزیت ابر قدرت ها استفاده از همکاران اسلامی خود را علیرغم فریادهای گوش خراش آنها مبنی بر مرگ بر آمریکا و... و ادامه میدهند. وقتی بازی اسلام لیبرال اردوغانی و مدل ترکیه ای با مساعدت به تشکیل داعش ها به پایان می رسد، تازه جنگ های کثیف آنها توسط جنگاوران کثیف تر ادامه می یابد. میلیتاریزه شدن مجدد منطقه و حالت نه جنگ و نه صلح مسلط می شود و انحصارات امپریالیستی فربه تر شده و مردم منطقه در ابعاد نجومی از مسیر توسعه ای دموکراتیک دورتر می شوند. اینکه کار آنها در عراق و سوریه، در عربستان و افغانستان تا شمال افریقا به کجا می رسد قابل پژوهشی است ژرف و دقیق در مورد ایران میتوان گفت که میهن ما به گونه ای کلید تحولات منطقه شده است که بدون کمک جمهوری اسلامی و سوریه (بشار اسد) اشغال عراق ممکن نبود و حال آمریکا و متحدین از نزدیک تحولات را زیر نظر دارند. آیا ایرانیان میتوانند پیش از بروز جنگی دیگر از سوی نظام اسلامی از آن عبور کنند در حوزه گمانه زنی می گنجد ولی گویی کار انقلابیون کمک به نسل نو است برای ابتدا گذر از توهم اصلاحات رژیمی و از طریق سازماندهی مستمر جنبش های مطرح.
